

سلسله مطالب در خصوص تخلفات انتظامی وکلای دادگستری و کار

آموزان وکالت (۲۰)

مقدمه و مطالب بیستم؛

۱- دریافت حق الوکاله اضافی ۲- خیانت وکیل ۳- سوءاخلاق و اعمال وکیل

تکمله:

در پایان سلسله مطالب از مدیریت وبلاگ بسیار وزین و ارزشمند و گرانقدر وکیل ملت آقای آرش کیخسروی تقدیر و تشکر به عمل می آورم که با پیگیری های جدی و مسئولانه خود باعث ادامه و ظهور این سلسله مطالب شدند. توضیحا " اینک این مرقومه ها ابتدا برای وبلاگ وکیل ملت و سپس برای سایت جمعیت اسلامی (جاودان) و کاسپین که بنده حقیر عضو کوچکی از این دو گروه عظیم و سربلندهستم و به جایگاه خود د راین دو گروه می بالم ، ارسال می گردید: مجددا" از تمامی همکاران عزیز که حوصله به خرج دادند و در طول این مدت بنده حقیر را تحمل کردند؛ کمال تقدیر و تشکر را

دارم ، د راوایل سلسله مطالب سعی بر آن بود که به تخلفات انتظامی که از زوایای بیشتری برخوردار بوده پردازیم و درانتها به عناوینی که بیشتر حالات تذکری داشته و از اهمیت بسیاری برخوردارند پرداخته شود این سه قسمت قسمتهای پایانی سلسله مطالب در خصوص تخلفات انتظامی کارآموزان و وکلای دادگستری محسوب می گردد و امیدوارم مفید واقع شده و کوچکترین خدمتی به همکاران خود نموده باشم . از همه عزیزانی که بنده حقیر را در این مدت مورد عنایت خود قراردادند تشکر می نمایم و از همه همکارانی که به بنده کمک فراوانی درجهت ارائه این مطالب نمودند نیز تشکر می نمایم و همکاران خود را به خداوند منان می سپارم و امیدوارم روزی برسد که هیچ وکیلی چه خواسته و چه ناخواسته وارد عرصه تخلفات انتظامی نگردد . که در این راستا کمک و حمایت وکلای قدیمی و دارای سابقه و اطلاع رسانی های کانون وکلا به همکاران و ارائه نمونه های برخوردار دادسرا با تخلفات وکلا نقش بسیار موثری خواهد داشت.

مطالب بیستم:

۱- دریافت حق الوکاله اضافی:

ماده ۱۹ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری اعلام می دارد
؛میزان حق الوکاله در صورتی که قبلاً" بین طرفین توافق نشده باشد طبق
تعرفه ای است که با پیشنهاد کانون و تصویب وزیر دادگستری تعیین
خواهد شد و درقبال اشخاص ثالث این تعرفه معتبر خواهد بود مگر
در صورتیکه قرارداد حق الوکاله کمتر از میزان تعرفه وکالتی باشد.
در این ماده تکلیف همکاران مشخص شده است ؛ چرا اینکه وکلا قادرند ؛
طبق تعرفه یا بیش از تعرفه یا کمتر از تعرفه از موکل خود حق الوکاله
دریافت نمایند ، اما اگر میزان حق الوکاله در ستون حق الوکاله وکالتنامه
معین و مشخص نباشد به معنی آن است که حق الوکاله طبق تعرفه بوده
است . وکیل قادر است طبق توافق از موکل خود بالاتر یا پایین تر از تعرفه
حق الوکاله دریافت نماید، اما نکته مهم این است که اگر وکیل از موکل خود
بالاتر از تعرفه حق الوکاله دریافت نماید قادر نیست از طرف مقابل (شخص
ثالث) اضافه حق الوکاله دریافتی را مطالبه نماید و حتماً" می بایست این

موضوع را در زمان انعقاد قرارداد به اطلاع موکل خود برساند و در توافق نامه مالی اطلاع خود را به امضاء وی برساند اما اگر وکیل از موکل خود کمتر از تعرفه حق الوکاله دریافت نماید و این موضوع را در وکالتنامه تصریح نماید، طرف مقابل (شخص ثالث) در صورت محکومیت فقط مسئول پرداخت همان اندازه حق الوکاله ای است که موکل به وکیل خود پرداخت نموده نه طبق تعرفه یا مازاد آن.

آخرین آئین نامه تعرفه حق الوکاله وکیل و هزینه سفر وکلای دادگستری که مصوب ۱۳۸۵/۴/۲۷ است و تمامی آئین نامه های قبلی را ملغی نموده بشرح ذیل تقدیم می گردد.

آئین نامه تعرفه حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری و وکلای موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران باتوجه به ماده ۱۹ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری و پیشنهاد کانون های وکلای دادگستری کشور و هیات اجرایی موضوع ماده ۲ آئین نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه توسعه، آئین نامه تعرفه حق الوکاله و هزینه سفر کانون وکلای دادگستری وکلا و مشاوران حقوقی قوه قضائیه به شرح ذیل تصویب شد.

ماده ۱- قرار داد حق الوکاله طبق ماده ۱۹ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب سال ۱۳۳۳ بین وکیل و موکل معتبر است. در

تعیین حق الوکاله در صورتی که قرارداد در بین نباشد در مورد محکوم علیه مالیات و سهم تعاون این تعرفه معتبر خواهد بود. چنانچه قرارداد حق الوکاله کمتر از میزان تعرفه وکالتی باشد در مورد محکوم علیه مبلغ کمتر ملاک خواهد بود.

ماده ۲ - اگر به موجب قرارداد فی مابین مبلغ حق الوکاله مزاد بر تعرفه تعیین شده باشد، درج این مبلغ در وکالت نامه و ارائه آن جهت ابطال تمبر علی الحساب مالیاتی (موضوع ماده ۱۰۳ قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۶۶) لازم خواهد بود. چنانچه وکیل باکتمان واقع در وکالت نامه مبلغ حق الوکاله را طبق تعرفه اعلام و به این ماخذ ابطال تمبر شود، لکن حق الوکاله بیشتری دریافت نماید، عمل وکیل در صورت انطباق باماده ۲۰۱ آن قانون قابل تعقیب جزائی خواهد بود. قضات مدیران دفاتر و کارمندان ابطال تمبر مکلفند مفاد قانون را به موقع اجرا گذاشته و ضمن بازرسی و کنترل وکالت نامه یا عنداللزوم اعلام نمایند.

تبصره: در مورد وکلا و مشاوران حقوقی موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه سهم تعاون و سایر وجوهی که به طور قانونی باید کسر و به حساب قانون وکلا واریز شود، کسر نخواهد شد.

ماده ۳ - در دعاوی مالی میزان حق الوکاله در موردی که حکم دادگاه بدوی از حیث بهای خواسته قطعی است از حداقل ۱۵۰ هزار ریال و ۱۰ درصد بهای خواسته و حداکثر تا مبلغ ۳۰۰ هزار ریال می باشد و در موردی که حکم از حیث بهای خواسته قطعی نیست به ترتیب ذیل تعیین می گردد.

الف - تا مبلغ یکصد میلیون ریال ۶ درصد از بهای خواسته و حداکثر ۶ میلیون ریال.

ب - نسبت به مازاد یکصد میلیون ریال تا یک میلیارد ریال ۴ درصد بهای خواسته و حداکثر تا مبلغ ۴۲ میلیون ریال.

ج - نسبت به مازاد یک میلیارد ریال تا ۵ میلیارد ریال ۳ درصد از بهای خواسته و حداکثر تا مبلغ ۱۶۲ میلیون ریال .

د - نسبت به مازاد ۵ میلیارد ریال ۲ درصد از بهای خواسته و حداکثر تا مبلغ ۲۰۰ میلیون ریال .

تبصره : درجه تحصیلی، سنوات خدمت و حوزه قضایی محل خدمت می تواند موجب افزایش میزان حق الوکاله و کلا به ترتیب زیر باشد و در هیچ صورت از حداکثر مقرر در بندهای بالا افزایش نمی یابد.

۱- وکلای با مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد تا ۵ درصد مبلغ پایه و دارندگان مدارک تحصیلی دکترا تا ۱۰ درصد مبلغ پایه به حق الزحمه آنها افزوده می شود.

۲- به ازای هر سال سنوات خدمت قضایی ، وکالت و عضویت هیات علمی به ازای هر سال ۱ درصد مبلغ پایه به حق الزحمه آنها افزوده می شود.

۳- وکلای شاغل در استان تهران و مراکز استان ها تا ۱۰ درصد مبلغ پایه و وکلای شاغل در شهرهای بزرگ تا ۵ درصد مبلغ پایه به حق الزحمه آنها افزوده می شود.

ماده ۴- ۶۰ درصد حق الوکاله مقرر در بندهای (الف) (ب) (ج) و (د) به مرحله نخستین و ۴۰ درصد بقیه به مرحله تجدیدنظر تعلق می گیرد. حق الوکاله هر مرحله در پایان همان مرحله به وکیل پرداخت می گردد.

الف - حق الوکاله دفاع از دعاوی جلب ثالث ، تقابل ورود ثالث و اعتراض ثالث نصف میزانی است که در بندهای (الف) (ب) (ج) و (د) ماده ۳ مقرر است ولی حق الوکاله دعاوی ورود ثالث جلب ثالث تقابل و اعتراض ثالث مطابق تمام حق الوکاله مرحله ای است که ثالث در آن مرحله وارد یا جلب شده یا دعوی تقابل مطرح و یا به رای صادره در آن مرحله اعتراض نموده است .

ب - حق الوکاله حکم غیابی و اعتراض به حکم مذکور به میزان مقرر در بندهای (الف) (ب) ماده ۳ است، لیکن چنانچه به حکم غیابی اعتراض شود از جهت تعقیب و دفاع از دعوی حق الوکاله دیگری به وکیل محکوم له حکم غیابی تعلق نمی گیرد.

ج - حق الوکاله وکیل در دادسراها، نظیر دادرسی نظامی و دادرسی دیوان عالی کشور و ... نصف میزان حق الوکاله مذاکور در ماده ۳ است و چنانچه وکیل دعوی را در دادگاه نیز تعقیب کند علاوه بر مبلغ مذکور حق الوکاله مرحله نخستین نیز طبق این آئین نامه به وی تعلق می گیرد.

ماده ۶- در مواردی که دعوی به یکی از نتایج ذیل منتهی شود حق الوکاله به ترتیب زیر تعیین می شود.

الف - برای قرار ابطال دادخواست پیش از پاسخ و دفاع از دعوی ربع حق الوکاله مرحله نخستین.

ب - برای اقرار ابطال دادخواست پس از پاسخ و دفاع از دعوی نصف حق الوکاله مرحله نخستین.

ج- برای قرار سقوط دعوی تجدید نظر قبل از پاسخ و دفاع از دعوی ربع حق الوکاله مرحله تجدیدنظر.

د- برای قرار سقوط دعوی تجدید نظر پس از پاسخ و دفاع از دعوی نصف حق الوکاله مرحله تجدیدنظر.

ه- برای قرار رد دعوی به علت قبول ایراد مردود زمان و قرار سقوط دعوی اعتراض بر ثبت و در تقاضای زمان و قرار سقوط دعوی اعتراض بر ثبت و رد تقاضای اعاده دادرسی و قرار رد دعوی به علت اعتبار امر مختومه تمام حق الوکاله ای که برای حکم مقرر است.

و- برای سایر قرارهایی که به طور مستقل قابل توجه تجدیدنظر است میزان حق الوکاله نصف حق الوکاله آن مرحله می باشد و در صورتی که این نوع قرارها فسخ و نقض شود حق الوکاله اضافه بر آنچه برای رسیدگی ماهوی مقرر است برای رسیدگی پس از فسخ و نقض تعلق نخواهد گرفت.

ماده ۷- حق الوکاله رسیدگی بعد از نقض نصف حق الوکاله قبل از نقض است.

ماده ۸- در دعوی غیر مالی اعم از این که خواسته مالی نیست یا تعیین بهای خواسته به طور قانونی لازم نیست و همچنین در دعاوی کیفری دادگاه میزان حق الوکاله و خسارات مورد مطالبه از طرف محکوم له را به شرح مقرر در این ماده تعیین خواهد کرد اعم از این که خود خواهان یا متهم و یا دادگاه وکیل تعیین کرده باشد حق الوکاله.

الف- در دعاوی خانوادگی: به طور مطلق مانند طلاق و تمکین یا دعاوی امور حسبی حداقل ۳۰۰ هزار ریال و حداکثر ۴ میلیون ریال.

ب - در دعاوی کیفری:

۱- در دعاوی کیفری مستلزم مجازات شلاق، جزایی، نقدی، سرقت مشمول حد قصاص عضو و دیه عضو و حبس کمتر از ۱۰ سال حداکثر مبلغ ۵ میلیون ریال.

تبصره: چنانچه برای یک جرم چند مجازات پیش بینی شده باشد یک حق الوکاله تعلق می گیرد. در جرایم متعدد موضوع بند ۱ که نسبت به آن بعد از رسیدگی تصمیم قضایی اتخاذ شده باشد برای هر عنوان ۵۰۰ هزار ریال و حداکثر برای ۳ عنوان مبلغ یک میلیون و ۵۰۰ هزار ریال به حق الوکاله اضافه می شود و نسبت به مازاد مبلغی پرداخت نخواهد شد.

۲- در دعاوی مستلزم قصاص نفس، محاربه، حدود مستوجب قتل، دیه نفس، حبس ۱۰ سال و بیشتر حداکثر مبلغ ۱۰ میلیون ریال.

تبصره: اجتماع مجازات متعدد برای جرم واحد موجب تعدد حق الوکاله نمی باشد. در جرایم متعدد این بند که بعد از رسیدگی قضایی نسبت به آن اتخاذ تصمیم شده باشد برای هر عنوان جزایی مبلغ یک میلیون و حداکثر ۳ میلیون ریال به حق الوکاله وکیل اضافه می شود و مازاد بر آن مبلغی تعلق نمی گیرد.

ج- در سایر دعاوی غیر مالی حداقل حق الوکاله ۳۰۰ هزار ریال و حداکثر ۴ میلیون ریال تعیین می شود.

تبصره: افزایش ضریب تخصص سنوات خدمت و مناطق جغرافیایی بارعایت این شرط که از حداکثر مقرر در بندهای فوق افزوده نشود به شرح تبصره

ماده ۳ تعیین می شود. همچنین مفاد مواد ۴ تا ۷ این تعرفه در خصوص دعاوی غیر مالی نیز اعمال می شود.

ماده ۹- حق الوکاله در دیوان عدالت اداری و مراجع غیر قضایی (از قبیل سازمان تعزیرات حکومتی، هیات های مندرج در قانون کار و غیره) طبق این آئین نامه است که ۶۰ درصد آن به مرحله نخستین و ۴۰ درصد به مرحله تجدیدنظر تعلق می گیرد.

ماده ۱۰- حق الوکاله اموری که خارج از دادگستری یا پس از طرح آن در دادگاه به داوری ارجاع می گردد و منجر به صدور رای داور می شود یا در شوراهای حل اختلاف رسیدگی می شود و نیز در موردی که دعوی در دادگاه یا خارج از دادگاه به صلح ختم می شود، به میزان حق الوکاله مرحله نخستین است.

ماده ۱۱- در مورد عزل وکیل یا انتفای موضوع وکالت به جهتی از جهات قانونی دیگر، اگر کار وکیل تمام شد یا پرونده برای صدور حکم مهیا باشد، تمام حق الوکاله آن مرحله به وکیل تعلق خواهد گرفت در غیر این صورت میزان حق الوکاله وکیل به تناسب کاری که در آن مرحله انجام داده است، حسب مورد به تشخیص کانون وکلا یا مرکز امور مشاوران حقوقی وکلا و کارشناسان قوه قضائیه یا مراجع قضایی تعیین خواهد شد .

ماده ۱۲- در دعاوی که خواسته دعوی از طرف خواهان به طور قانونی تقویم می شود، حق الوکاله به نسبت ارزش واقعی خواسته باید تعیین شود. در صورت عدم توافق طرفین در تعیین ارزش واقعی خواسته دادگاه میزان واقعی ارزش خواسته را با ارجاع امر به کارشناس تعیین و ملاک حکم قرار می دهد.

ماده ۱۳ - میزان حق الوکاله امور اجرایی در دادگاه ها و شعب اجرای ثبت حداکثر ۲ درصد نسبت به محکوم به یا مورد اجرا تعیین می شود و یا ممکن است به تناسب اقداماتی که وکیل انجام داده است تعیین شود و در هر صورت از ۵ میلیون ریال تجاوز نخواهد کرد. در مورد سایر اجرائیه ها تعیین میزان حق الوکاله به نظر دادگاه صلاحیت دار است.

ماده ۱۴ - چنانچه وکیل بدون تنظیم وکالت نامه نسبت به ارائه خدمات حقوقی، مثل تنظیم دادخواست، شکوائیه، اظهارنامه، لایحه دفاعی، مشاوره حقوقی، مطالعه پرونده اقدام نماید، برابر بندهای زیر از حق الزحمه متناسب برخوردار می شود:

الف - تنظیم دادخواست یا شکوائیه به مبلغ ۲۰۰ هزار ریال.

ب - تنظیم لایحه تا ۵ صفحه به ازای هر صفحه ۲۰ هزار ریال و بیشتر.

از ۵ صفحه تا هر میزان به ازای هر صفحه ۱۰ هزار ریال و حداکثر تا ۳۰۰ هزار ریال.

ج - حق المشاوره از قرار هر ساعت حداکثر ۵۰ هزار ریال.

د - حق مطالعه پرونده حداکثر مبلغ ۱۵۰ هزار ریال.

ماده ۱۵ : وکلای دادگستری و کارگشایان مکلفند معادل نصف آنچه بابت مالیات طبق ماده قانون مالیات های مستقیم تمبر به وکالت نامه الصاق می کنند، برای صندوق حمایت وکلا و کارگشایان و نیز یک بیست و پنجم مالیات را بابت هزینه کانون به حسابداری دادگستری پرداخت کنند. و صندوق دادگستری مکلف است سهم صندوق حمایت و یک چهارم سهم کانون را از تمامی وکلای کانون و کارگشایان در هر مورد قبول و در آخر هر ماه به کانون

وکلائی دادگستری مربوط پردازد ۲ درصد از آنچه وصل می شود حق الزحمه متصدیان وصول خواهد بود.

ماده ۱۶- میزان حق الوکاله در دیوان عالی کشور و شعب تشخیص آن در دعاوی مالی ۲۰ درصد از کل رقم حق الوکاله مذکور در ماده ۳ این آئین نامه خواهد بود در مورد دعوی غیرمالی بر اساس تعرفه تجدیدنظرمی باشد.

ماده ۱۷- هزینه مسافرت و کلا کیلومتری ۵۰۰ ریال رفت و برگشت می باشد مگر هزینه های مذکور از سوی موکل تقبل شود و فوق العاده روزانه بملغ ۲۵۰ هزار ریال تعیین می گردد.

ماده ۱۸- این آئین نامه در تاریخ ۲۷ تیر ۱۳۸۵ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید و ۱۵ روز پس از انتشار در روزنامه رسمی در سراسر کشور لازم اجرا بوده و از این تاریخ آئین نامه تعرفه سابق ملغی است.

ماده ۸۰۱ آئین نامه لایحه قانون استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴ اعلام می دارد؛ ((در موارد ذیل متخلف به مجازات انتظامی درجه ۴ محکوم می شود؛... ۴- در صورتیکه زائد بر حق الوکاله که به تراضی با موکل داده و در موردی که قرارداد در بین نباشد زائد بر تعرفه وزارتی یا زائد بر هزینه های قانونی وجه یا مال دیگر یا سندی به نام خود یا دیگری بگیرد.))

در این ماده به صراحت اعلام شده ((زائد بر حق الوکاله ای که با موکل خود تراضی نموده است)) دریافت نماید، یا اگر ((قراردادی فی مابین به عنوان توافق نباشد، زائد بر تعرفه وجه ای مال یا سندی را بگیرد چه به نام خودش چه ظاهراً" به نام دیگری اما عملاً" به نام خودش)). در نتیجه همکاران محترم در صورت رعایت نفس قانون هرگز مرتکب تخلف اینچنینی نخواهند شد.

اما موضوعی که آخرین آئین نامه حق الوکاله بدان اشاره شده و بسیار اهمیت دارد؛ ماده این آئین نامه است که اعلام می دارد؛ اگر به موجب قرارداد فی مابین، مبلغ حق الوکاله مزاد بر تعرفه تعیین شده باشد درج این مبلغ در وکالتنامه و ارائه آن جهت ابطال تمبر علی الحساب مالیاتی موضوع ماده ۱۰۳ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب سال ۱۳۶۶ ا.د.م خواهد بود. چنانچه وکیل با کتمان واقع، در وکالتنامه مبلغ حق الوکاله را طبق تعرفه اعلام و به این ماخذ ابطال تمبر شود لکن حق الوکاله بیشتری دریافت نماید. عمل وکیل در صورت انطباق با ماده ۲۰۱ آن قانون قابل تعقیب جزایی خواهد بود. قضات به مدیران دفاتر و کارمندان مسئول ابطال تمبر مکلفند مفاد قانون را به موقع اجرا گذاشته و ضمن بازرسی و کنترل وکالتنامه ها عنداللزوم اعلام جرم نمایند.

ماده ۲۰۱ قانون مالیاتهای مستقیم که در ماده فوق بدان اشاره شد، اعلام می دارد؛

((هرگاه مودی به قصد فرار از مالیات از روی علم و عمد به ترازنامه و حساب سود و زیان یا به دفاتر و اسناد و مدارکی که برای تشخیص مالیات ملاک عمل می باشد و بر خلاف حقیقت تهیه و تنظیم شده است استناد نماید یا برای ۳ سال متوالی از تسلیم اظهارنامه مالیاتی و ترازنامه و حساب و سود و زیان خودداری کند، علاوه بر جریمه ها و مجازات های مقرر در این قانون از تمامی معافیت ها و بخشودگی های قانونی در مدت مذکور محروم خواهد شد.))

این ماده قصدو نیت شخص وکیل را بیان می دارد، یعنی اگر وکیل عالما" و با قصد دست به این نزده باشد، ماده ۲ آئین نامه مشمول وی نخواهد شد.

جهت روشن شدن تمامی سوالاتی که در ذهن هروکیلی ایجاد می گردد ، نظرات کمیسیون تخصصی امور حقوقی کانون وکلای دادگستری و نظرات اداره حقوقی قوه قضائیه به شرح ذیل تقدیم می گردد:

سوال: مطابق تبصره ۲ بند((د)) ماده ۱۰۳ قانون مالیاتهای مستقیم ، وکلایی که از طرف وزارتخانه ها و موسسات دولتی و شرکتهای دولتی و شهرداریها و موسسات وابسته به دولت و شهرداریها اقدام به انجام امور وکالتی می نمایند، مکلف نیستند که تمبر مالیاتی بر روی وکالتنامه ابطال نمایند، چرا که تبصره ۲ ماده فوق الذکر نحوه پرداخت مالیات امور ارجاعی از طرف دولت را مشخص و معین نموده فلذا ترتیبی دیگر برای آن مفروض نیست ، لیکن در پرونده ای به عنوان وکیل شرکتی که در اساسنامه آن صراحتاً اعلام شده است (شرکتی دولتی است) اقدام به طرح شکایتی شد، متأسفانه معاونت محترم ارجاع چک بدواً به بهانه اینکه اصل وکالتنامه ضمیمه نیست از قبول ارجاع امتناع نموده است در حالیکه امور ارجاعی شرکت موکل در یک وکالتنامه کلی فی مابین شرکت و وکیل تنظیم گردیده است . همچنین نظریه مشورتی مورخ ۱۳۷۸/۲/۳ به شماره (۷/۲۱۰) اداره حقوقی قوه قضائیه مبنی بر اینکه در مورد وکالتنامه های کلی تقدیم تصویر یا رونوشت مصدق وکالتنامه به جای اصل آن به شعب دادگاهها، مجوز قانونی دخالت وکیل در پرونده های مطروحه می باشد . ایرادی در عملکرد وکیل شرکت دولتی وارد نیست .

ایراد دیگری که معاونت محترم ارجاع به مرجوعه وارد نموده است عدم ابطال تمبر مالیاتی به میزان حداقل پنجاه هزار تومان حق الوکاله می باشد که این دستور نیز بر خلاف نص صریح تبصره یک بند "د" ماده ۱۰۳ قانون

مالیاتهای مستقیم می باشد . عدم ارجاع شکوائیه تقدیمی موجب تضييع حقوق موکل شده است .

جواب: با توجه به تبصره ۲ بند "د" ماده ۱۰۳ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب سال ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی که مقرر داشته وزارتخانه ها... مکلفند از جوهری که بابت حق الوکاله و کلاء پرداخت می کنند، پنج درصد آن را کسر بابت علی الحساب مالیاتی وکیل ظرف ده روز به حوزه مالیاتی محل پرداخت نمایند، الصاق تمبر به وکالتنامه های موضوع تبصره یاد شده وجهه قانونی ندارد، از این رو اخذ گواهی مبنی بر کسر پنج درصد از موکل و انضمام آن به وکالتنامه ضروری است .

نظریه شماره ۷۰۴۵ مورخ ۱۳۷۹/۶/۲۰ کمیسیون تخصصی امور حقوقی در خصوص حق الوکاله امور اجرایی که البته مطابق قانون سال ۱۳۷۸ بیان گردیده ، با این فرض ارزش دوباره خوانی را دارد:

نظر به ماده ۴۰ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه تعرفه حق الوکاله و هزینه سفر و کلای دادگستری مصوب ۱۳۷۸/۳/۲۵ موضوع در کمیسیون تخصصی امور حقوقی کانون وکلاء مطرح شده و به شرح آتی اظهار نظر گردید:

نظر به ماده ۴۰ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه تعرفه حق الوکاله و هزینه سفر و کلای دادگستری در جریان عملیات اجرایی محرز بوده و قرارداد خاص به میزان کمتر از تعرفه قانونی تنظیم نشده باشد ، میزان حق الوکاله امور اجرایی در شعب اجرایی ثبت حداکثر ۴ درصد مورد اجرا است . عنوان ماده ۱۳ آئین نامه یاد شده درج می شود (میزان حق الوکاله امور اجرایی در دادگاهها و شعب اجرایی ثبت حداکثر ۴ درصد

دنسبت به محكوم به يا مورد اجرا تعيين مي شود و ممكن است به تناسب آنچه اجرامي شود دريافت شود. در مورد ساير اجرائيه ها تعيين حق الوكاله به نظر دادگاه صلاحيت دار است .)

نظريه شماره ۱۳۱۷۱ مورخ ۱۳۷۹/۹/۱۲ كميسيون تخصصي امور حقيقي
كانون وكلا در خصوص ذكر ميزان حق الوكاله :

هرچند تبصره ۱ ماده ۱۰۳ قانوني مالياتهاي مستقيم به لزوم تعيين رقم حق الوكاله در وكالتنامه هاي وكلاي دادگستري است، ليكن ذكر عبارت (ميزان تعرفه) در وكالتنامه مفادا" تعيين رقم حق الوكاله قانوني محسوب و منظور قانون حاصل است كما اينكه بخشنامه اخير دادگستري تهران نيز مويد همين معني است .

نظريه شماره ۱۴۹۴۱ مورخ ۱۳۸۰/۸/۸ كميسيون تخصصي امور حقيقي
كانون وكلا در خصوص حق المشاوره :

سوال: در ارتباط با حق المشاوره از ناحيه وكلاي محترم مبالغ مختلفي به مراجعين پيشنهاده و بعضا" تابلوهائي نيز كه گوياي اختلاف فاحش در مبالغ معين ملحوظ مي باشد ، لذا در جهت رفع تشتت و ايجاد هماهنگي راجع به موضوع اعلام نظر فرماييد.

جواب: تعيين ضوابط در خصوص حق المشاوره وكلا توسط هيأت مديره كانون تحت عنوان ايجاد نظامات بلامانع به نظر مي رسد و اين امر با توجه به ملاك ماده ۱۹ لايحه قانون استقلال كانون وكلا نافي توافق طرفين در تعيين ميزان حق المشاوره نخواهد بود.

نظریه شماره ۱۳۱۶۱ مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۷ کمیسیون تخصصی امور حقوقی
کانون وکلا در خصوص توافق به کمتر از میزان تعرفه :

سوال: بر طبق ماده ۱۰۳ قانون مالیاتهای مستقیم و تبصره یک آن ، وکیل دادگستری مکلف به ابطال تمبر وکالتی به میزان پنج درصد حق الوکاله است . توافق وکیل و موکل در میزان حق الوکاله هم اگر کمتر از تعرفه مقرر در این ماده و آئین نامه تعرفه حق الوکاله باشد ، در میزان تمبری که بر اساس این مقررات وکیل باید ابطال نماید ، تاثیری ندارد . لیکن با توجه به ماده ۵۱۳ قانون آئین دادرسی مدنی جدیدالتصویب و ماده ۲۷ قانون اعسار که مجانی بودن وکالت را در دعوی اعسار پذیرفته و در واقع تخصیصی به حکم عام ماده ۱۰۳ قانون مالیاتهای مستقیم وارد کرده است و نیز با عنایت به ماده ۵۰۳ قانون آئین دادرسی جدیدالتصویب در ماده ۶۸۲ قانون آئین دادرسی مدنی سابق و مستنبت از تبصره ۲ ماده ۱۰۳ قانون مالیاتهای مستقیم که به نظر می رسد تمبر وکالتی را در زمره هزینه های دادرسی قلمداد کرده که موکل مکلف به پرداخت آن است ، آیا بازهم وکیل مدعی اعسار (که تقاضای معافیت از پرداخت هزینه های دادرسی یا محکوم به را رد کرده است) باید تمبر وکالتی ابطال کند؟ و آیا در دعوی اعسار، مدعی اعسار حتما" باید وکیل مجانی خود را از طریق کانون وکلا به طور معاضدتی انتخاب کند ، یا در صورتی که وکیلی به طور مجانی و داوطلبانه طرح و دفاع از دعوای وی را تقبل کند ، این وکالت نیز قابل پذیرش است ؟

جواب: وکالت مجانی وکیل اعم از اینکه در دعوای اعسار و یا سایر دعوای باشد مانع پرداخت تمبر وکالتی نیست زیرا شرایط قرارداد خصوصی وکالت موجب معافیت از پرداخت مالیات که از قواعد آمره مربوط به نظم عمومی است نمی باشد مگر آنکه خواهان خواستار معاضدت قضایی از کانون وکلاء

باشد و از طریق و با تایید واحد معاضدت قضایی کانون عمل شود که در این صورت ضرورتی به الصاق و ابطال تمبر مالیاتی به وکالتنامه به نظر نمی رسد . استفاده از وکیل معاضدتی و معافیت موقت از پرداخت حق الوکاله به موجب بند ۲ ماده ۵۱۳ قانون آئین دادرسی مدنی ناظر به حالتی است که حکم اعسار صادر شده باشد و شامل اقامه دعوی اعسار نمی شود.

نظریه شماره ۱۴۹۳۵ مورخ ۱۳۸۰/۸/۸ کمیسیون تخصصی امور حقوقی کانون وکلا در خصوص حق الوکاله وکیل در مرحله تجدیدنظر بر فرض عدم تجدیدنظرخواهی طرف مقابل و صدور رای به نفع موکل در دادگاه بدوی:

سوال: اگر در دادرسی نخستین پرونده حقوقی حکم کاملاً "به نفع موکل که خواهان دعوی بوده است صادر گردد و محکوم علیه از آن حکم تقاضای تجدیدنظر ننماید و دادنامه صادره قطعی شود در این صورت آیا وکیل مستحق دریافت تمام حق الوکاله مقرر در قرارداد تنظیم شده با موکل است (طبق مواد ۶۷۵ و ۶۷۶ مدنی) یا اینکه وکیل فقط استحقاق دریافت شصت درصد از حق الوکاله مقرر را دارد (طبق ماده ۴ آئین نامه مصوب سال ۱۳۷۸)؟

جواب: در خصوص مورد حق الوکاله استحقاقی به میزان حق الوکاله مرحله نخستین بر اساس قرارداد منعقد شده بین طرفین است .

نظریه شماره ۱۴۹۴۴ مورخ ۸۰/۸/۸ کمیسیون تخصصی امور حقوقی کانون وکلا در خصوص عدم الصاق تمبر تمدید پروانه:

سوال: با توجه به ماده ۱۵ قانون وکالت ، وکلا مکلفند همه ساله تعرفه دولتی را پرداخت و وکالتنامه خود را ملصق به تمبر نمایند لکن در مواردی دیده شده که در زمان تقدیم دادخواست و یا در خلال رسیدگی ، با وجود انقضای

مدت اعتبار تعیین شده در پروانه وکالت با همان پروانه به کار خود ادامه می دهند و حتی بعد از تذکر دادگاه بهانه هایی از قبیل کثرت و تراکم کار و یا نداشتن وقت کافی برای مراجعه به کانون و الصاق تمبر مطرح می فرمایند حال با وصف مذکور و تکلیف و اختیار دادگاه چیست آیا می بایست از ادامه وکالت و دخالت وکیل در پرونده مطروحه جلوگیری نموده و یا صرفاً" موضوع به کانون منعکس یا هر دو مورد یا؟

جواب: با توجه به ماده ۱۵ قانون وکالت مصوب بهمن ۱۳۱۵ و ماده ۶ قانون تشکیل صندوق تعاون وکلا و تامین هزینه های کانون وکلاء دادگستری مصوب چهاردهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ و ماده ۴ آئین نامه مربوط به تعیین میزان و طرز وصول حق عضویت سالانه وکلاء دادگستری مصوب اسفند ماه ۱۳۵۰ ماده ۱۱ قانون تشکیل صندوق حمایت وکلاء و کارگشایان دادگستری مصوب ۱۳۵۵/۱۰/۲۹ و تبصره یک ماده ۱۰۳ قانون مالیاتهای مستقیم چنانچه پروانه وکیل در موعد مقرر تمدید و تمبر قانونی به آن الصاق نشده باشد ، وکیل مذکور و از انجام وکالت ممنوع بوده و دادگاه می تواند از دخالت وی به عنوان وکیل در امر دادرسی جلوگیری نماید .

نظریه کمیسیون امور حقوقی به شماره ۶۳۹۱ مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۷ در خصوص ارسال اظهارنامه مالیاتی برای کارآموزان وکالت :

سوال: آیا اداره دارایی می تواند برای کارآموزان اظهارنامه مالیاتی ارسال نماید؟

جواب: با توجه به ماده ۳۸ آئین نامه لایحه استقلال کانون وکلاء چنانچه کارآموز موردی را بپذیرد حسب مقررات قانون مالیاتها نسبت به حق الزحمه دریافتی ، باید مالیات لازم را پرداخت کند.

نظریه شماره ۱۴۹۴۲ مورخ ۸/۸/۸۰ کمیسیون تخصصی امور حقوقی کانون وکلای در خصوص ابطال تمبر مالیاتی در وکالتنامه هایی که دو نفر وکیل مدافعه دارند:

سوال: در بعضی از پرونده ها وکلاء مشترکا اقدام به قبول امر وکالت نموده و در این راستا وکالتنامه واحدی هم با موکل تنظیم و صرفاً یک حق الوکاله از موکل اخذ می گردد که به صورت مشترک بین دو وکیل تقسیم می گردد و علی الاصول با توجه به تنظیم یک وکالتنامه می بایست تنها یک بار تمبر مالیاتی ابطال نمود که این تمبر هم در حسابداری دادگستری مشترکا به نام هر دو وکیل ثبت می گردد. علیرغم این موضوع بعضی از شعبات دادگاهها در چنین وکالتنامه هایی که موکل دارای دو وکیل است نظر به ابطال دو بار تمبر مالیاتی دارند یعنی برای هر دو وکیل به صورت جداگانه و علیحده و این در صورتی است که فقط یک وکالتنامه آن هم مشترک تنظیم شده و هر یک از وکلا وکالتنامه جداگانه تقدیم نکرده اند علیهذا خواهشمند است صریحاً اعلام نظر فرمایید.

جواب: با توجه به تبصره ۳ ماده ۱۰۳ قانون مالیاتهای مستقیم ملاک احتساب تمبر مالیاتی وکالت مبلغ حق الوکاله است چنانچه طبق قرارداد پرداخت یک مورد حق الوکاله مقرر شده باشد تمبر مالیاتی برای همان مورد احتساب می شود اعم از اینکه یک یا دو وکیل طرف قرارداد وکالت باشند و اعم از اینکه منفرداً یا مجتمعا اقدام به وکالت نمایند.

ابطال تمبر مالیاتی در وکالتنامه هایی که دو نفر وکیل دارند:

نظریه شماره ۱۴۹۵۵ مورخ ۸/۸/۱۳۸۰ کمیسیون تخصصی امور حقوقی کانون وکلای در خصوص موضوعی همانند مطلب فوق:

سوال: در شرایطی که دو وکیل (اعم از وکیل رسمی یا کارآموز وکالت) وکالت شخصی را به موجب یک قرارداد بر عهده می گیرند و اقدامات هر یک از ایشان نیز به تنهایی نافذ می باشد، به چه میزان تمبر مالیاتی و هزینه سهم کانون وکلا را تودیع نمایند؟

جواب: با توجه به تبصره ۳ ماده ۱۰۳ قانون مالیاتهای مستقیم ملاک احتساب تمبر مالیاتی وکالت مبلغ حق الوکاله است . چنانچه طبق قرارداد پرداخت یک مورد حق الوکاله مقرر شده باشد تمبر مالیاتی برای همان مورد احتساب می شود اعم از اینکه یک یا دو وکیل طرف قرارداد وکالت باشد و اعم از اینکه مجتمعا" یا منفردا" اقدام به وکالت نمایند.

مهم: استرداد تمبر مالیاتی اضافی وکالتنامه در صورت غیابی بودن رسیدگی و حکم:

سوال: در صورتی که وکیلی به هنگام تقدیم دادخواست به نسبت تمام حق الوکاله مرحله نخستین به وکالتنامه خود تمبر مالیاتی الصاق و ابطال کند ولی رسیدگی و حکم صادره غیابی بوده ، حق الوکاله ای که به آن تعلق می گیرد معادل نصف حق الوکاله مرحله نخستین باشد تکلیف تمبر مالیاتی ابطال شده اضافی چیست ؟

در مورد سوال فوق و کمیسیون مشورتی امور اداری و مالی و اقتصادی اداره حقوقی در جلسه مورخ ۴۳/۸/۱۸ چنین اظهار نظر کرده است :

از بند ۳ ماده ۷ قانون مالیات بردارم مصوب سال ۱۳۳۵ و قانون اصلاح قانون مزبور مصوب سال ۱۳۳۷ استفاده می شود که وکلای دادگستری باید به نسبت در آمد ویژه خود در هر مرحله به نرخ صدی نه مالیات بپردازند و

نحوه پرداخت مالیات آنها الصاق و ابطال تمبر می باشد ، بنابراین ملاک و میزان پرداخت مالیات وکلای در آمدی است که در هر مرحله عاید آنها می شود و چون در بدو رسیدگی به هر دعوی نمی توان حضوری یا غیابی بودن حکم قضیه را پیش بینی نمود ناگزیر وکلا باید برای هر مرحله تمبر الصاق و ابطال نمایند، البته در صورتی که محرز و مسلم شود درآمد وکیل در مرحله ای که دعوی طرح گردیده به علت صدور حکم غیابی کمتر از میزانی بوده که تمبر الصاق و ابطال شده طبق ۲ قانون متمم بودجه سال ۱۳۳۳ که به موجب ماده ۱۴ قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۷ مادام که ملغی نشده به قوت خود باقی است . وکیل مزبور استحقاق استرداد وجوهی که زائد بر میزان درآمد ویژه خود به عنوان مالیات پرداخته دارد و نامه پیشکاری دارایی تهران که به استناد قانون فوق الذکر صادر شده بلاشکال است.

مهم: استفاده از تمبر وکالتی وکالتنامه ای که در پرونده موضوع آن قرار ابطال دادخواست صادر شده در پرونده جدید:

(نظریه اداره حقوقی دادگستری به نقل از کتاب مجموعه کامل مقررات وکالت دکتر نصرالله قهرمانی و ابراهیم یوسفی محله و آن کتاب نیز به نقل از شماره ۶۳ هفته دادگستری صفحه ۱۰-۱۱)

در مواردی که دادخواست مطروحه وکیلی ابطال می گردد و او ناگزیر است دادخواست خود را تجدید کند آیا جایز است که وکیل مزبور برای پرهیز از ابطال تمبر مالیاتی اضافی و پرداخت مجدد سهم تعاون از وکالتنامه پرونده منتهی به قرار ابطال در پرونده مطروحه جدید استفاده کند؟

در مورد سوال فوق کمیسیون مشورتی آئین دادرسی مدنی اداره حقوقی در جلسه مورخ ۱۳۵۰/۷/۷ به شرح زیر اظهار نظر نموده است:

به موجب بند الف ماده ۷۲ قانون مالیات بر درآمد مصوب ۱۳۴۶ و مقررات راجع به پرداخت سهم تعاون و کلا ابطال تمبر مالیاتی و پرداخت سهم تعاون دادگستری برای هر مرحله رسیدگی از دعوی به ماخذ مقرر در قانون به عمل می آید و چون بعد از ابطال دادخواست در مرحله نخستین، تجدید دادخواست جز در مواردی که قانون استثناء کرده جایز است، بنابراین در مرحله نخستین قرار ابطال دادخواستی که وکیل دادگستری تقدیم داشته صادر شود چون در مرحله نخستین به دعوی رسیدگی نشده وکیل مزبور می تواند در حدود مقررات با همان وکالتنامه خود بدون ابطال تمبر مالیاتی و سهم تعاون دادخواست مجدد بدهد و تبصره ۳ ماده ۷۲ قانون مالیات بر درآمد سال ۴۶ هم مفید این معنی است.

نظریه شماره ۷/۲۰۸۸ مورخ ۵۸/۷/۱۲ اداره حقوقی در خصوص دریافت حق الوکاله به کمتر از تعرفه:

سوال: وکیل بانک فرهنگیان مدعی است که فقط بیست درصد از حق الوکاله قانونی خود را از بانک مذکور دریافت می نماید و هشتاد درصد را به بانک بخشیده است و تقاضا دارد که مالیات او هم به ماخذ بیست درصد حق الوکاله منظور گردد. آیا قبول چنین درخواست مجاز است؟

نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

به فرض صحت ادعای وکیل در مورد وصول حق الوکاله به مبلغ کمتر از میزان مقرر در تعرفه احتساب مالیات و الصاق تمبر به نحوی است که در ماده ۷۲ قانون مالیاتهای مستقیم مندرج است و قانوناً "موجبی جهت تغییر و تقلیل و میزان مالیات موجود نیست".

مهم: نحوه پرداخت حق الوکاله وکیل توکیلی:

(نظریه اداره حقوقی به نقل از کتاب مجموعه قوانین و مقررات وکالت دکتر قهرمانی و آقای یوسفی محله و آن کتاب نیز به نقل از شماره ۳۹ هفته دادگستری صفحه ۲۶۶)

درموردی که با استفاده از حق توکیل غیر، وکیل مع الواسطه ای از طرف وکیل بلاواسطه انتخاب می گردد پرداخت حق الوکاله او به عهده کیست؟
با توجه به ماده ۶۷۵ قانون مدنی که در ذیل درج می گردد:

ماده ۶۷۵- موکل باید تمام مخارجی را که وکیل برای انجام وکالت خود نموده است و همچنین اجرت وکیل را بدهد مگر اینکه در عقد وکالت طور دیگر مقرر شده باشد.

درمورد سوال فوق کمیسیون مشورتی آئین دادرسی مدنی اداره حقوقی در جلسه مورخ ۱۳۴۴/۸/۲۵ چنین اظهار نظر کرده است:

اگر وکیلی با استفاده از حق توکیل غیر برای موکل خود وکیل تعیین کند، وکیل مع الواسطه در صورت انجام موضوع وکالت باید برای مطالبه حق الوکاله طبق ماده ۶۷۵ قانون مدنی به موکل مراجعه کند و رجوع به وکیل بلاواسطه در این مورد مجوز ندارد.

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۴ مورخ ۱۳۶۴/۱/۱۴ اداره حقوقی در خصوص عدم نیاز به ابطال تمبر برای تقاضای صدور اجرائیه:

سوال: آیا وکیلی که در مرحله دادرسی بدوی دخالت داشته، هنگام اجرای حکم دادگاه باید تمبر مالیات وکالت در پرونده اجرائی ابطال نماید یا خیر؟

مقررات ماده ۷۲ قانون مالیاتهای مستقیم و شقوق آن وکیل دعاوی را موظف نموده برای هر مرحله از مراحل دادرسی معادل پنج درصد از حق الوکاله را روی برگ وکالتنامه تمبر الصاق نماید. این حکم قانونی شامل مرحله اجرای حکم نیست و صرفاً "ناظر به مرحله دادرسی است". بنابراین بعد از صدور حکم و قطعیت آن، وکیل موظف نیست برای تقاضای صدور اجرائیه مالیات پرداخت نماید و مقررات ماده ۷۲ قانون فوق الاشعار شامل مورد سوال نمی شود.

مهم: نظریه مشورتی شماره ۱۲۶۰۷ مورخ ۱۳۷۵/۱۱/۵)

سوال: آیا در صورتی که وکالتنامه وکیل از نظر تمبر وکالتنامه ناقص باشد دفتر می تواند برای تکمیل وکالتنامه اخطاریه رفع نقص برای وکیل صادر و ارسال نماید؟

نظریه اداره حقوقی

در مورد عدم الصاق تمبر وکالتنامه یا ناقص بودن آن، صدور اخطار رفع نقص از ناحیه دفتر به منظور الصاق تمبر قانونی طبق ماده ۱۰۳ قانون مالیاتهای مستقیم ضرورت ندارد، بلکه وکالتنامه پذیرفته نمی شود.

نحوه تعیین حق الوکاله وکیل در امور کیفری

(نظریه اداره حقوقی به نقل از شماره ۲۹ هفته دادگستری)

سوال: با توجه به ماده ۴۹۰ قانون آئین دادرسی کیفری طریق و نحوه وصول حق الوکاله وکلای دادگستری در پرونده های کیفری که درخواست صدور اجرائیه می نمایند چگونه بوده و به چه ترتیب می باشد؟ آیا وصول آن به

عده دوائر اجرای کیفری است یا دوائر اجراء حقوقی ؟ و در صورتی که عشریه به آن تعلق می گیرد مستند قانونی آن چیست؟

نظر کمیسیون آئین دادرسی کیفری مورخ ۱۳۴۳/۱۰/۲۲:

چون صدور حکم پرداخت حق الوکاله وکیل ضمن دادنامه جزائی در واقع حکم مدنی و حقوقی و نظیر ضرر و زیان مدعی خصوصی است و حسب ماده ۴۹۰ قانون آئین دادرسی کیفری اجرای حکم ضرر و زیان مدعی خصوصی به طریقی است که برای اجرای احکام حقوقی مقرر است ، بنابراین در مورد اجرا حکم حق الوکاله وکیل باید حسب موازین و مقررات مربوط به اجرای احکام مدنی و از طریق دایره اجرای حقوقی اقدام و عشریه قانونی را از محکوم علیه وصول نمود.

پرداخت پنجاه درصد حق الوکاله توسط بانک به نماینده قضایی

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۳۳۰ مورخ ۱۳۶۲/۳/۲۵ اداره حقوقی در خصوص الصاق تمبر مالیاتی وکیل سازمانهای دولتی :

سوال: آیا وکیل ژاندارمری که حقوق ماهیانه از آن سازمان دریافت می نماید و هرماه مالیات آن به ماخذ ۵ درصد کسر می شود، هنگام تقدیم وکالتنامه به دادگاه باز هم باید تمبر مالیاتی بر روی وکالتنامه ابطال نماید یا نه؟

جواب: برابر ماده ۷۲ قانون مالیاتهای مستقیم وکلای دادگستری مکلفند که باقید میزان حق الوکاله در برگ وکالتنامه به ماخذ ۵ درصد به ترتیب مقرر در قانون تمبر مالیاتی ابطال نمایند، ولی تبصره ۲ اصلاحی اسفند ماه ۱۳۵۱ همان قانون سازمانهای دولتی و شهرداریها و موسسات وابسته به دولت را

مكلف نموده که از وجوهی که بابت حق الوکاله به وکلا پرداخت می کنند پنج درصد کسر و بابت مالیات وکیل به اداره دارایی محل پرداخت نمایند و برابر ذیل تبصره یک ماده ۷۲ قانون فوق الاشعار وکلای سازمانها و موسسات دولتی و شهرداریها محتاج ابطال تمبر روی برگ وکالتنامه خود نمی باشند.

نظریه مشورتی اداره حقوقی به شماره ۷/۱۸۷۴ مورخ ۷۶/۴/۸ در خصوص دریافت حق الوکاله برای نماینده قضایی بانک:

سوال: آیا بانکها که جهت وصول مطالبات خود اقدام به طرح دعوی می نمایند حق دارند چنانچه برای طرح دعوی یا دفاع از نماینده قضایی معرفی کرده باشند مطالبه حق الوکاله نموده و ۵۰٪ آن را به نمایندگان و کارمندان ذیربط پرداخت کنند؟

نظر به اینکه بانکها از مصادیق واحدهای مذکور در قانون محاسبات عمومی کشور می باشند، لذا چنانچه در دعوی محکوم له واقع شوند و نماینده قضایی را برای طرح دعوی یا دفاع از آن معرفی کرده باشند، طبق ماده واحده قانون اجازه پرداخت ۵۰٪ از حق الوکاله های وصولی، از محکوم علیه مطالبه حق الوکاله نموده و ۵۰٪ آن را طبق این قانون به نمایندگان قضایی و کارمندان ذیربط پرداخت نمایند.

نظریه مورخ ۱۳۷۹/۹/۳ کمیسیون استفتائات قانون وکلای دادگستری مرکز

از مجموع ماده ۱۹ لایحه استقلال قانون وکلای دادگستری و ماده ۱۰۳ قانون مالیاتهای مستقیم چنین استنباط می شود که اعلام اینکه مبلغ حق الوکاله مطابق تعرفه است، در حکم تعیین مبلغ حق الوکاله است زیرا در ماده ۱۹

لایحه استقلال وجود قرارداد بین وکیل و موکل در مورد میزان حق الوکاله الزامی نیست. اعلام وکیل بر اینکه حق الوکاله طبق تعرفه است بدین معناست که بین طرفین قراردادی وجود ندارد و میزان حق الوکاله از نظر ابطال تمبر مالیاتی و اشخاص ثالث تابع تعرفه حق الوکاله است. از ماده ۱۹ لایحه استقلال چنین برمی آید که اگر قراردادی در بین نباشد تعرفه حق الوکاله جایگزین آن بوده و به عنوان قرارداد تکمیلی تلقی می گردد.

دکتر ناصر کاتوزیان - دکتر گودرز افتخار جهرمی - دکتر امیر حسین فخاری - دکتر امیر حسین آبادی

نظریه مورخ ۷۵/۱۱/۱۱ کمیسیون استفتائات کانون وکلای دادگستری در خصوص ابطال تمبر برای وکالت در غیر از محاکم دادگستری:

آنچه از ماده ۳۲ قانون وکالت استفاده می شود این است که وظیفه مندرج در این ماده برای وکلاء مربوط به وکالت در دادگاه است و شامل مراجعات به مراجع رسمی یا غیر رسمی دیگر نمی شود. همچنین از ماده ۱۹ لایحه استقلال نیز استفاده نمی شود که برای مراجعه به غیر محاکم دادگستری، ابطال تمبر وکالتنامه ضروری است.

اما از اطلاق ماده ۱۰۳ قانون مالیاتها می توان استفاده کرد که برای هر وکالتنامه وکیل دادگستری، صرفنظر از نوع سازمان مورد مراجعه باید معادل پنج درصد حق الوکاله قید شده در وکالتنامه تمبر ابطال شود.

نظریه شماره ۷/۴۱۸۹ مورخ ۱۳۸۶/۶/۲۶ اداره کل حقوقی قوه قضائیه:

سوال: منظور از عبارت ، وکالت وکیل در هیچ یک از دادگاهها و مراجع مزبور قابل قبول نخواهد بود، در تبصره یک ماده ۱۰۳ قانون مالیاتهای مستقیم چیست ؟

اداره کل حقوقی قوه قضائیه

جواب: منظور از عبارت مذکور در تبصره یک ماده ۱۰۳ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب سال ۱۳۸۰ آن است که عدم ابطال تمبر یا ناقص بودن آن در وکالتنامه ، موجب صدور اخطار رفع نقص از ناحیه دفتر دادگاه نخواهد بود بلکه اصولاً " وکالتنامه مذکور قابل پذیرش نمی باشد . در این صورت مثل آن است که دادخواست را شخص موکل داده باشد و لذا چنانچه سایر مدارک ناقص باشد دفتر دادگاه به شخص تجدیدنظر خواه اخطار رفع نقص می نماید و اگر مدارک تجدیدنظر خواهی کامل باشد تبادل لوایح یا دعوت به جلسه دادرسی از سوی دفتر دادگاه برای شخص تجدیدنظر خواه انجام می گیرد.

بسیار مهم : نظریه شماره ۳۳۱۸ مورخ ۱۳۸۷/۳/۶ کمیسیون امور حقوقی
قانون وکلا:

سوال: منظور از کلمه واگذاری در تبصره ۳ ماده ۱۰۳ قانون مالیاتهای مستقیم ، حق توکیل به غیر می باشد یا شامل موارد عزل و استعفا نیز می شود؟

جواب: مفاد تبصره ۳ ماده ۱۰۳ قانون مالیاتهای مستقیم در خصوص واگذاری تعقیب دعوی به وکیل دیگر ، مفهوم عام و کلی دارد و بر هر موردی که پس از ابطال تمبر ، تعقیب دعوی به وکیل دیگر سپرده شود ، اطلاق می شود. لذا با توجه به مفاد صریح تبصره و رویه غالب دادگاه ها در

اینخصوص د رموارد ذیل نیاز به ابطال تمبر مالیاتی نیست: ۱- وکیل اول با استفاده از حق توکیل ، تعقیب دعوی را به وکیل دوم تفویض نماید . ۲- پس از انصراف وکیل اول (مثل استعفا یا عزل) و نیز با فرض حضور وی ، وکیل دوم راساً" توسط موکل انتخاب و معرفی شود.

نظریه شماره ۷۳۳۲ مورخ ۱۳۸۱/۵/۲ کمیسیون تخصصی امور حقوقی
کانون وکلا:

سوال: بر اساس بند (ل) تبصره ۱۳ ماده واحده قانون بودجه مصوب سال ۱۳۸۰ بکار گیری پرسنل بازنشسته ادارات و سازمانهای وابسته را ممنوع کرده و مقرر می دارد هیچکس نباید از صندوق دولت دوباره حقوق دریافت نماید و تمام قوانین مربوط قبل از تصویب این قانون نیز ملغی اعلام نموده است . حال آیا مشاورین حقوقی یا وکیل که اکثراً" قاضی بازنشسته می باشند مشمول این قانون هستند و نمی توانند به عنوان مشاور از صندوق دولت حق المشاوره ماهیانه دریافت نمایند و در نتیجه سازمان که نیاز به مشاوره حقوقی و وکیل دارد نمی تواند طبق سنوات قبل از وجود آنها استفاده نماید . آیا این افراد مشمول قانون فوق الذکر می شود یا خیر؟

جواب: اشتغال به کار افراد مورد بحث با توجه به عموم و اطلاق بند(ل) تبصره ۱۳ قانون بودجه سال ۱۳۸۰ و اینکه کلیه قوانین و مقررات عام و خاص مغایر با قانون مذکور ملغی الاثر اعلام گردیده منوط به تصویب هیات وزیران است .

نظریه شماره ۱۳۹۹۸ مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۱ کمیسیون امور حقوقی کانون وکلا:

سوال: از پاراگراف آخر ماده یک آئین نامه موضوع ماده نوزده لایحه قانونی استقلال کانون وکلا چنین استنباط می شود که وکیل خوانده می تواند با

ارائه قرارداد حق الوکاله به میزان کمتر از تعرفه ، از خواننده د دعوی که خواسته آن مالی است دفاع کند . با عنایت به بند یک از ماده یکصد و سه و تبصره یک همان ماده از قانون مالیاتهای مستقیم ، نظر کمیسیون امور حقوقی کانون را اعلام نمایید.

جواب : ((بند یک ماده نوزده لایحه قانونی استقلال کانون وکلای ارتباطی با تمبر مالیاتی مقرر در ماده یکصد و سه قانون مالیاتهای مستقیم ندارد و اصولاً طبق ماده یکصد و سه قانون مالیاتهای مستقیم ، چنانچه وکلای دادگستری با موکل خود قراردادی داشته باشند که حق الوکاله آن بیشتر از تعرفه باشد ، لازم است معادل مبلغ مندرج در قرارداد ، تمبر مالیاتی الصاق و ابطال نمایند ولی چنانچه در قرارداد وکالت ، حق الوکاله کمتر از تعرفه باشد، باید معادل تعرفه، تمبر مالیاتی الصاق و ابطال شود.))

نظریه شماره ۱۳۷۳۸ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۹ کمیسیون امور حقوقی :

سوال: چنانچه وکیلی از طرف موکل خود نسبت به طرح و تقدیم دادخواست به خواسته اعسار از پرداخت هزینه دادرسی و مطالبه وجه تواماً اقدام نماید و به دلیل معسر بودن موکل حق الوکاله دریافت نگردد و از این جهت وکیل صرفاً تمبر مالیاتی غیر مالی جهت رسیدگی به دعوی اعسار از هزینه دادرسی را الصاق نماید ، آیا الزاماً بایستی تمبر مالیاتی حق الوکاله دریافت نشده را به میزان وجه مورد مطالبه در دادخواست (قبل از قبول یا رد خواسته اعسار از هزینه دادرسی) ابطال نماید یا خیر؟ چنانچه علی رغم موارد فوق ، دادگاه قبل از تشکیل جلسه اول رسیدگی به خواسته اعسار از هزینه دادرسی ، وکیل را ملزم به ابطال تمبر وکالتی به میزان وجه مورد مطالبه نماید تکلیف چیست ؟

جواب: نظر به اینکه خواسته دعوا مالی بوده است ، در شریطی که دادخواست مطالبه وجه به وسیله وکیل دادگستری اقامه شده و نسبت به هزینه دادرسی آن ، ادعای اعسار شده باشد ، به نظر می رسد وکیل دادگستری مکلف است مطابق قرارداد و در صورت نبودن قرارداد ، به میزان آئین نامه حق الوکاله وکلای دادگستری ، در مرحله دادرسی مربوطه، تمبر ابطال نماید .

در ماده ۵۱۳ قانون آئین دادرسی مدنی ، قبول دعوی اعسار و پس از اثبات اعسار ، استفاده و حق داشتن وکیل معاضدتی و معافیت موقت از پرداخت حق الوکاله پیش بینی شده است که موید نظریه فوق است .

نظریه شماره ۷/۱۳۸ مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۱ اداره کل امور حقوقی قوه قضائیه:

سوال: در صورتیکه وکیل حق الوکاله مرحله تجدیدنظر را مطالبه کرده باشد ، ولی دادگاه تجدیدنظر حق الوکاله را مورد حکم قرار نداده باشد ، مورد از مصادیق اصلاح رای مذکور در ماده ۳۰۹ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب د رامور مدنی است ؟

جواب: چنانچه خواهان یا وکیل وی با داشتن حق مطالبه حق الوکاله ضمن طرح دعوی اصلی ، مطالبه حق الوکاله را نیز کرده باشد و دادگاه بدوی ضمن صدور حکم نسبت به دعوی اصلی به حق الوکاله رای داده باشد ولی دادگاه تجدید نظر حکم به حق الوکاله این مرحله صادر ننموده باشد این مورد از مصادیق ماده ۳۰۹ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی نیست زیرا کلمه ای از قلم نیفتاده و یا جمله اضافه نشده یا اشتباهی در محاسبه صورت نگرفته است بلکه نسبت به حق الوکاله رای داده نشده

است . لذا محکوم له ناگزیر است مجدداً " نسبت به مطالبه حق الوکاله مرحله تجدیدنظر دادخواست جداگانه تقدیم نماید.

نظریه شماره ۷/۱۰۱۸ مورخ ۱۳۸۷/۲/۲۳ اداره کل حقوقی قوه قضائیه :

سوال: آیا حق الوکاله وکیل و سایر هزینه ها از قبیل حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری احتیاج به تقدیم دادخواست دارد یا خیر؟

جواب: با توجه به بند ۲ ماده ۱۵۸ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ و اینکه حق الوکاله مرحله اجرا و هزینه های ایاب و ذهاب وکیل در عداد هزینه ایی که برای اجرای حکم ضرورت داشته باشد مانند حق الزحمه خبره و کارشناس و ارزیابی و حق حفاظت اموال و نظائر آن محسوب نمی شود، بنابراین وصول حق الوکاله مرحله اجرا و هزینه ای ایاب و ذهاب وکیل (موضوع مواد ۱۳ و ۱۷ آئین نامه تعرفه حق الوکاله ، حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری و وکلای موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۵/۴/۲۷ ریاست محترم قوه قضائیه) از محکوم علیه ، محتاج به تقدیم دادخواست و رسیدگی دادگاه است به عبارت دیگر چنانچه حق الوکاله وکیل در رای دادگاه قید نشده باشد چون در ردیف هزینه های اجرائی نیست موضوع نیاز به تقدیم دادخواست دارد.

بسیار مهم : نظریه شماره ۷/۷۴۱ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۶ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه:

سوال: طبق ماده ۵۱۹ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی در صورت مطالبه خسارت حق الوکاله باید دادگاه ضمن رای ،

محکوم علیه را به پرداخت آن محکوم نماید . آیا این امر شامل نمایندگان قضایی نیز می شود و دادگاه می تواند همانند وکلا برای نمایندگان مذکور حق الوکاله تعیین نماید ؟

جواب: با توجه به ماده ۵۱۹ از قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ از جمله خساراتی که مورد حکم قرار می گیرد خسارات حق الوکاله وکیل و هزینه های دیگری که به طور مستقیم مربوط به دادرسی و برای اثبات دعوا یا دفاع لازم بوده از قبیل حق الزحمه کارشناس و هزینه تحقیقات محلی و غیره می باشد و چون نمایندگان حقوقی وزارتخانه ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و... که به استناد ماده ۳۲ قانون مذکور مبادرت به طرح دعوی و یا دفاع از دعوی مطروحه دولت را می نمایند وکیل محسوب نمی شوند لذا مشمول ماده ۵۱۹ از قانون فوق الذکر نیستند . بنا به مراتب هزینه های نمایندگان حقوقی مطابق به هزینه وکلا قابل مطالبه نمی باشد بدیهی است که هزینه مسافرت نمایندگان حقوقی در حدود متعارف بعهدده سازمان متبوع نماینده می باشد و قابل مطالبه از خواننده دعوی نیست .

بسیار مهم : نظریه شماره ۱۵۵۴۴ مورخ ۱۳۸۷/۹/۱۱ کمیسیون امور حقوقی کانون وکلا:

سوال: خواهشمند است دستور فرمایند حداکثر سقف خواسته در دعاوی مالی را که کارآموزان وکالت می توانند نسبت به قبول وکالت اقدام کنند جهت بهره برداری لازم به این دفتر اعلام نمایند .

جواب: طبق مصوبه اتحادیه سراسری کانونهای وکلای دادگستری که در کلیه کانونهای عضو لازم الرعایه است ، کارآموزان وکالت اجازه وکالت در

دعاوی مالی با خواسته حداکثر یکصد و پنجاه میلیون ریال را دارند . ضمناً" طبق مقررات کارآموزی و شرح وظایف کارآموزان ، کلیه اعمال وکالتی باید تحت نظر و با تایید وکلای سرپرست ایشان انجام شود .

نظریه شماره ۲۳۵۵۰/۲۲۰ مورخ ۱۳۸۷/۵/۱۶ کمیسیون امور حقوقی کانون وکلا:

سوال: احتراماً، چون این شهرداری پرداخت های مکرری بابت حق الوکاله و حق المشاوره به برخی از وکلای دادگستری دارد ، خواهشمند است با توجه به قوانین موجود منجمله قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۵۵/۱۰/۲۹ تبصره ماده ۱ و تبصره ماده ۸ آن و ماده ۱۵ آئین نامه حق الوکاله و هزینه سفر وکلای دادگستری مصوب ۱۳۸۵/۴/۲۵ اعلام فرمایند آیا از حق الوکاله و حق المشاوره وکلای رسمی دادگستری که بازنشسته قوه قضائیه یا نیروهای مسلح بوده و مشمول مقررات حمایتی صندوق حمایت وکلا نیستند نیز می بایست نصف مالیات متعلقه به نفع صندوق حمایت وکلا کسر گردد یا خیر؟ و به طور کلی در خصوص میزان کسورات وکلای مزبور اعم از بازنشسته یا شاغل اعلام نظر فرمایید .

جواب: هرچند وکلا و کارگشایانی که مشمول مقررات قانون استخدام کشوری یا قانون استخدام نیروهای مسلح ، قانون تامین اجتماعی یا مقررات بازنشستگی دیگری هستند از مشمول مقررات حمایتی این قانون مستثنی می باشند. لیکن با توجه به اطلاق تبصره ماده ۸ همان قانون، کلیه وکلای دادگستری و کارگشایان مکلفند معادل نصف آنچه که بابت مالیات طبق قانون مالیاتهای مستقیم تمبر به وکالتنامه الصاق کنند همچنین معادل نصف وجوهی که به عنوان حق المشاوره و حق الوکاله به طور مقطوع

دریافت می دارند به صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری پرداخت نمایند (الحاقی ۸۷/۸/۲۳) به این ترتیب وکلای مزبور گرچه از شمول حمایت قانون خارج می باشند اما درمورد پرداخت وجوه مربوط به صندوق حمایت وکلا و کارگشایان مستثنی نشده اند.

یک نمونه مصداق عملی در دادسرای انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز :

((نظر به اینکه مشتکی عنه مبلغ یک میلیون پانصد هزار تومان از شاکی دریافت کرده در حالی که وکالتنامه تنظیمی فی مابین خود و موکل میزان حق الوکاله را یکصد هزار تومان قید کرده است و بر ادعای خود مبنی بر قرض بودن مبلغ دریافتی دلیل ارائه ننموده شاکی نیز منکر این ادعا می باشد ، بنابراین مدافعات وکیل مشتکی عنه مردود و با احراز تخلف او دائر بر اخذ وجه زاید بر حق الوکاله که بتراضی در وکالتنامه با موکل قرار داده و انطباق عمل وی با بند ۴ ماده ۸۰ به نظر دادگاه استناد دادسرا صحیح بوده لذا با عنایت به عدم سوابق محکومیت انتظامی مشتکی عنه با یک درجه تخفیف به استناد بند ۴ ماده ۸۲ ناظر به بند ۳ ماده ۷۶ آئین نامه لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مشتکی عنه را به توبیخ با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون محکوم می نماید.))

۲- خیانت وکیل:

این موضوع از موضوعاتیست که بسیار در قشر همکاران نادر است اما متأسفانه همان سم پاشی ها و همان عدم فرهنگ سازی صحیح و درست نسبت به وظایف وکلا و عدم آشنائی مردم (موکلین) به شرح وظایف وکلا این ذهنیت را برای موکلین ایجاد می نماید ، لذا بهتر است در همان ابتدای

کار زمان انعقاد قرارداد وکالت و تنظیم وکالتنامه تمامی وظایف، حدود و اختیارات وکیل به موکل تفهیم گردد، همچنین از اعمال دور از شان وکالت پرهیز و در حد امکان با طرف مقابل هیچ مراوده و قرار ملاقات یا غیره بدون علم و اطلاع موکل نداشته باشیم. این امر همیشه باعث می شود موکل به وکیل خود اعتماد داشته باشد و هرگز به خود اجازه ایراد این خصوصیات را نداشته باشد. نقش وکیل در خصوص این موضوع و روانشناسی وکیل و نوع برخورد وی با موکل و طرف مقابل بسیار تاثیر خواهد داشت.

اما از واقعیت ها و حقایق که بگذریم تعداد بسیار محدودی از همکاران که شاید به انگشتان دست نیز نرسد دست به این اقدام خلاف می زنند که عملاً باعث آن می شوند که وجود این تخلف در قشر شریف وکلا احراز گردد، و ضرری که این تعداد محدود به قشر وکلا می زنند بیش از همه دشمنان داخلی و خارجی خواهد بود.

ماده ۴۱ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ اعلام می دارد؛ ((در صورتیکه خیانت وکیل نسبت به موکل ثابت شود از قبیل آنکه وکیل با طرف موکل ساخته و بالنتیجه حق موکل را تضییع نماید به محرومیت ابدی از شغل وکالت محروم خواهد شد و موکل می تواند خسارت وارده بر خود را از او مطالبه نماید.))

ماده ۸۲ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری اعلام می دارد؛ ((متخلف از مقررات ذیل به مجازات انتظامی درجه ۶ محکوم خواهد شد. بند ۳: در صورتی که ثابت شود وکیل با طرف موکل خود ساخته که حق موکل را تضییع نماید یا خیانت دیگری نسبت به موکل کرده باشد...))

البته مطابق رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری بشماره ۶۶ بندهای ۵ و ۶ ماده ۷۶ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا ابطال گردید. اما مطابق ماده ۵۱ قانون وکالت با این اشخاص شدیدترین برخوردها خواهد شد.

۳- وکیل از عهده انجام وظیفه وکالتی برنیاید:

وقتی به قانونهای موجود در خصوص وکلا دقیق تر نظاره می کنید، بیشتر احساس خطر می نمائید از اولین مرقومه خود در سلسله مطالب بیست قسمتی، از احساس خطر گفتیم، اکنون با پایان این سلسله مطالب، به عرایض ابتدایی خودم پافشاری نموده و همکاران محترم این حقیر را از هرگونه اعمال دورازشان وکالت برحذر داشته و ضمن برحذر داشتن عزیزان نسبت به این مسائل، همه را به تحصیل و مطالعه بیشتر مسائل حقوقی و دریافت اطلاعات دقیق از موکل در زمان انعقاد قرارداد و تحقیق کامل در خصوص پرونده ای که وکالت آنرا اخذ نموده ایم و حصول اطمینان از نوع وکالت و دفاعی که از موکل می نمائیم. تشویق و رهنمون می نمایم. چرا اینکه ماده ۵۷ قانون وکالت بصراحت اعلام می دارد؛ ((هرگاه محاکم و مدعیان عمومی در اجراء مواد این قانون بی نظمی یا مسامحه مشاهده کرده {یا متوجه شوند وکیلی از عهده انجام وظیفه وکالتی بر نمی آید} و همچنین هرگاه از سوء اخلاق و اعمال وکیل مطلع گردند، مکلفند بدون تاخیر مراتب را به وزیر عدلیه گزارش دهند در صورت تخلف به مجازات انتظامی درجه ۴ محکوم خواهد شد.

و در اینخصوص مطابق ماده ۱۵ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری عمل می گردد؛ در صورتی که رئیس دادگاه یا دادستان شهرستان و یا رئیس دادگاه استان یا دادستان تخلفی از وکیل مشاهده

نمایند که قابل تعقیب باشد باید مراتب را کتبا " به دادسرای انتظامی وکلا اطلاع دهند و در صورتی که دادسرای مزبور موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد پرونده را با صدور کیفر خواست به دادگاه انتظامی وکلا ارجاع می کند و در غیر اینصورت نظر خود را با ذکر دلیل به دادستان استان اطلاع می دهد و اگر دادستان مزبور به نظر دادسرای انتظامی وکلا تسلیم نشد راساً" از دادگاه انتظامی وکلا رسیدگی به موضوع را تقاضا می نماید .

لذا به همین دلیل است که همکاران می بایست در تمامی اعمال خود مراقب باشند تا هرگز گزندی به آنها زده نشود.

در پایان سلسله مطالب بیست قسمتی از آقای علی نقی زاده کوچصفهانی وکیل پایه یک دادگستری و عضو کمیسیون جوانان کانون وکلای دادگستری مرکز که بسیار از علم و تجربیات ایشان در این سلسله مطالب استفاده شده و همچنان سرکار خانم مرسته قراگزلو وکیل پایه یک دادگستری و عضو کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای دادگستری مرکز که بنده را در تنظیم و جمع اوری اطلاعات یاری نموده اند و از معلومات خود ما را بی بهره نگذاشتند و همچنین از سرکار خانم زهره سرابی که زحمت تایپ و ویراستاری این مجموعه چند صد صفحه ای را بر عهده داشته اند کمال تقدیر و تشکر را دارم . و از خداوند منان سلامتی و بهروزی و سربلندیشان را آرزومندم.

منابع :

۱-مسئولیت مدنی وکیل دادگستری دکتر نصرالله قهرمانی

۲-مجموعه کامل مقررات وکالت دکتر نصرالله قهرمانی و ابراهیم یوسفی محله

با تشکر عبدالله سمایی

وکیل پایه یک دادگستری

دادیار دادرسی انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز